

طوفان الاقصی؛ ابعاد موازنه استراتژیک

آقای مهدی محمدی

این جنگ را طرفی خواهد برد که بتواند غافلگیری تولید کند. حجم خشونت و ویرانی کور ملاک نیست

تولید غافلگیری نیازمند داشتن برنامه ای است که از مدت ها قبل تدوین و اجزاء آن تمرین شده باشد. حماس و متحدانش از روز اول به خوبی می دانستند وارد چه مسیری می شوند و چند گام جلوتر را دیده اند. تا اینجا اسرائیل کاری نکرده که خارج از پیش بینی ها باشد

جنگ را طرفی می برد که هدف داشته باشد. حماقت برخاسته از خشم هدف نظامی تولید نمی کند ولو اینکه بتوانید در ۵ روز ۴۰۰۰ تن مهمات مصرف کنید. نتیجه می شود همین که اکنون نمی دانند کجا را بمباران کنند.

این جنگ را طرفی می برد که بتواند روی زمین بجنگد. تسلط بر محیط شرط پیروزی در نبردی است که در محیط متراکم شهری رخ می دهد. اسرائیل بیش از یک سال برنامه ریزی و تمرین را در غزه ندید، ده ها هزار !تله و دام را چگونه خواهد دید؟

جنگ را طرفی می برد که 'نترسد'. جوانی که از همه خانواده اش فقط او باقی مانده چه برای ترسیدن دارد؟! و کدام هدف برای او نیرومندتر از این است که از کشتن گان خانواده اش انتقام بکشد؟ و از آن سو، سرباز بی نوای اسرائیلی که بهشت موعودش جهنم از آب درآمده، با چه انگیزه ای باید بجنگد؟

ضمناً؛ غزه مسطح نشده. گالانت از همان ابتدا هم بی خردتر از آن بود که بفهمد غزه را مسطح نمی کند بلکه !در حال تبدیل آن به خاکریز و سنگر است. حالا سنگرها مهیاست. مردانی لازم است که بجنگد

یک نکته دیگر را هم اجازه بدهید بگویم. می گویند هزاران سرباز اسرائیلی بر دروازه های غزه ایستاده اند. خواهیم دید! اما باید بدانند و لابد می دانند که ده ها هزار مرد جنگی پشت مرزهای سرزمین های اشغالی ایستاده اند که یا می خواهند به قدس بروند یا به بهشت

اگر یک جبهه گشوده شد همه جبهه ها گشوده خواهد شد. نوبت و ترتیبی در کار نیست. سد که شکست سیل خواهد آمد. در ساحل باب المندب هم آماده جهاند و آزادی قدس را میسر می دانند؛ سوریه و لبنان که جای خود دارد